١٥٨- ای منجذب جمال الهی آنچه مرقوم نموده بودی ملاحظه گردید از گلشن معانی رائحه طیبه محبت الله استشمام گردید خوشا بحال تو که از ظلمات جهل رهیدی و نور هدایت دیدی و بمنزل مقصود رسیدی ندای الهی شنیدی و از شهد محبت الله چشیدی حال وقت آنست که مرغ این چمن گردی و بال و پر بگشائی و در این فضای نامتناهی الهی بر پری و بخدمت حق پردازی و در این سبیل جانبازی در ساحت قدس مقبولی و در نزد احبای الهی محمود و در لوح محفوظ نامت مثبوت حال بخدمت امر الله مشغول شو ای بنده حق اعمال خیریه خواه فاعل آن باخبر باشد خواه بیخبر عند الحق مقبول مثلا شجر خبر از ثمر خود ندارد با وجود این میوه‌اش خوشگوار است لکن اگر باخبر باشد کامل است و الا ناقص پس مناجات کن : ای پروردگار مرا بیدار کن هشیار نما از غیر خود بیزار کن و بمحبت جمالت گرفتار نما نفخه روح القدس بخش و ندای ملکوت ابهی بگوش رسان قوت روحانی عطا کن و سراج رحمانی در زجاج قلب برافروز از هر بندی آزاد کن و از هر تعلقی نجات ده تا جز رضای تو نطلبم و بغیر از روی تو نجویم و دون راه تو نپویم نفوس غافله را هشیار کنم و ارواح خفته را بیدار نمایم تشنگان را آب حیات بخشم و مریضان را شفای الهی دهم هر چند حقیرم ذلیلم فقیرم اما پشت و پناهم توئی و معین و ظهیر هم توئی تأییدی عنایت فرما که کل حیران گردند خدایا توئی مقتدر و توانا و بخشنده و دهنده و بینا